

A Critique of James Burley's View on the Infallibility of Holy Prophet (PBUH) in Oliver Leaman's Encyclopedia

Ali Malakoutiniya¹ ; Seyyed Hossein Razavi Arani^{2*} ;

Mostafa Fallahi³

1- (Assistant Professor). Department of Education, Qom University of Technology, Qom, Iran.
Email: Alim2200@gmail.com

2- Corresponding author, Israa Institute of Higher Education, Qom, Iran., Iran. Email:
razavi.arani@gmail.com

3- Israa Institute of Higher Education, Qom, Iran. Email: mustapha110220@gmail.com

Article Info

Abstract

Article type:

Research

Article history :

Received :

2025/4/21

Accepted:

2025/9/23

Published:

2025/11/16

Keywords:

Infallibility,
Infallibility of Holy
Prophet,
James Burley,
Oliver Leaman's
Encyclopedia.

Familiarity with the Holy Prophet (PBUH) and knowing him have always been subjects of interest to Orientalists, as referring to their various works confirms. One work written by Orientalists that examines the personality of the Holy Prophet (PBUH) is *The Qur'an: An Encyclopedia*, edited by Oliver Leaman. James Burley, the author of the entry "Muhammad (PBUH)" in this work, has attempted to describe the characteristics of the Seal of the Prophets from various perspectives. However, his inadequate attention to all Qur'anic verses has resulted in an inaccurate portrayal of the Prophet. In the section "Muhammad (PBUH) in the Qur'an," Burley claims that the infallibility of the Prophet of Islam (PBUH) cannot be substantiated through Qur'anic verses, citing certain verses to support his claim. This paper, employing a library research method, aims to respond to this claim. An examination of the Qur'anic verses related to the infallibility of the prophets demonstrates that not only do Qur'anic verses in general indicate his infallibility, but one can also refer to verses that negate any error or mistake, even those emanating from his bodily limbs.

Cite this article: Ali Malakoutiniya & Seyyed Hossein Razavi Arani & Mostafa Fallahi (2025). A Critique of James Burley's View on the Infallibility of Holy Prophet (pbuh) in Oliver Leaman's Encyclopedia. *Journal of Theological and Exegetical Studies*, Year 1, Issue 1, Winter 2025, Serial Number 2, (71-86).

Publisher: Allameh Tabatabai Specialized Center, Kermanshah





نقد دیدگاه جیمز بورلی درباره عصمت پیامبر اکرم (ص) در دانشنامه الیور لیمن

علی ملکوتی‌نیا^۱؛ سید حسین رضوی ارانی^۲؛ مصطفی فلاحی^۳

۱- استادیار گروه معارف دانشگاه صنعتی قم، قم، ایران. رایانامه: Alim2200@gmail.com

۲- (نویسنده مسئول). دانش‌پژوه سطح ۴، رشته تفسیر قرآن کریم گرایش آیات اعتقادی، مؤسسه آموزش عالی اسراء، قم، ایران.

رایانامه: razavi.arani@gmail.com

۳- دانش‌پژوه سطح ۴، رشته تفسیر قرآن کریم گرایش آیات اعتقادی، مؤسسه آموزش عالی اسراء، قم، ایران.

رایانامه: mustapha110220@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله:	آشنایی با پیامبر اکرم (ص) و شناخت ایشان همواره از موضوعات مورد توجه شرق‌شناسان بوده است و مراجعه به آثار مختلف مستشرقان این امر را تأیید می‌کند. یکی از آثار تألیف‌شده توسط شرق‌شناسان که به بررسی شخصیت پیامبر اکرم (ص) پرداخته، کتاب «قرآن: یک دانشنامه» به سروراستاری «الیور لیمن» است. «جیمز بورلی»، نویسنده مدخل «محمد (ص)» در این اثر، کوشیده است از زوایای مختلف به بیان ویژگی‌های خاتم‌الانبیا پردازد؛ اما عدم توجه کافی وی به تمامی آیات قرآن موجب شده تصویر نادرستی از آن حضرت ارائه دهد. وی در بخش «محمد (ص) در قرآن» ادعا می‌کند که عصمت پیامبر اسلام (ص) از طریق آیات قرآن قابل استناد نیست و برای اثبات ادعای خود به برخی آیات استناد می‌کند. این مقاله که با روش کتابخانه‌ای نگاشته شده، در پی پاسخ به این ادعا است. بررسی آیات قرآنی مربوط به عصمت انبیا نشان می‌دهد که نه تنها آیات قرآن به طور کلی بر عصمت آن حضرت دلالت دارند، بلکه می‌توان به آباتی استناد کرد که هرگونه خطا و اشتباه را حتی از اعضای بدن ایشان نیز نفی می‌کنند.
پژوهشی	
تاریخ دریافت:	
تاریخ پذیرش:	
تاریخ انتشار:	
واژه‌های کلیدی:	
عصمت، عصمت پیامبر اکرم (ص)، جیمز بورلی، دانشنامه الیور لیمن	

استناد: ملکوتی‌نیا، علی؛ رضوی ارانی، سید حسین؛ فلاحی، مصطفی (۱۴۰۴). نقد دیدگاه جیمز بورلی درباره عصمت پیامبر اکرم (ص)

در دانشنامه الیور لیمن. پژوهش‌نامه معارف کلامی تفسیری، سال ۱، دوره ۱، زمستان ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۲، (۷۱-۸۶).



ناشر: مرکز تخصصی علامه طباطبایی ره کرمانشاه

۱. مقدمه

شناخت شخصیت پیامبران الهی و معرفی آنان از منظر منابع اسلامی، همواره از موضوعات مورد توجه شرق‌شناسان بوده است. در این میان، بررسی شخصیت پیامبر اکرم حضرت محمد (ص) برای خاورشناسان اهمیت ویژه‌ای دارد و آنان با انگیزه‌های متفاوت، پژوهش‌های خود را به شناسایی شخصیت این پیامبر الهی معطوف می‌کنند. مطالعات ایشان عموماً با سه هدف اصلی «دینی - تبشیری»، «سیاسی - استعماری» و «علمی» صورت می‌پذیرد.

هرچند در مورد پژوهش‌های علمی مستشرقان درباره پیامبر اکرم (ص)، نمی‌توان با قطعیت گفت که قصد خدشه‌دار کردن شخصیت والای ایشان را دارند، اما به دلایل ذیل، ناخواسته مطالب ناسازگاری به آن حضرت منسوب می‌شود که همسو با شأن ایشان و آموزه‌های قرآنی نیست:

الف) اعتماد به تألیفات مستشرقان پیشین؛

ب) اکتفا به منابع اهل سنت؛

ج) عدم مراجعه به منابع شیعی؛

د) پیش‌فرض‌های نادرست درباره پیامبر (ص)؛

ه) جزئی‌نگری و بی‌توجهی به کلیت آیات قرآن.

در کتاب «قرآن: یک دانشنامه» زیر نظر الیور لیمن نیز شخصیت پیامبر اکرم (ص) مورد توجه قرار گرفته و جیمز بورلی در مقاله‌ای با عنوان «محمد(ص)» به تحلیل ویژگی‌هایی چون عصمت وی پرداخته و در مواردی به خطا رفته است. این نوشتار می‌کوشد با شناسایی این موارد، به رفع ابهامات و شبهات مربوط به عصمت نبوی بپردازد.

۱-۱. پیشینه

در باب پاسخگویی به شبهات مطرح شده از سوی مستشرقان با موضوع «عصمت»، می‌توان از پژوهش‌های ذیل یاد کرد:

رضی بهابادی و جواندل (۱۳۹۳) در «نقد و بررسی مقاله عصمت از دایرةالمعارف قرآن لایدن بر اساس آراء و مبانی شیعه» (فصلنامه شیعه‌شناسی، ش ۴۸) موضوع «عصمت» و

آموزه‌های قرآنی پیرامون آن را به صورت کلی بررسی کرده و با توجه به برخی از آیات در این زمینه، گرایش نویسنده مدخل را به دیدگاه‌های کلامی شیعه یا اهل سنت را بررسی کرده است. فتاحی‌زاده و اسدی (۱۳۹۶) در مقاله «ارزیابی دیدگاه گلدزیهر در خصوص عصمت پیامبر اکرم» (قرآن پژوهی خاورشناسان، ش ۲۳) با محوریت آیات «اسوه حسنه» به نقد دیدگاه گلدزیهر پرداخته و مبانی و مستندات نقلی و درون دینی وی مورد ارزیابی و بررسی قرار داده‌اند.

رضایی هفتادر و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله «نقد آرا خاورشناسان درباره عصمت پیامبر (ص)» (اندیشه نوین دینی، ش ۳۷) با استناد به ادله کلامی، عقلی، تاریخی و فلسفی، ادعاهای برخی از مستشرقان را در مبتنی بر روایات و قضایای تاریخی و ظواهر برخی آیات مربوط به عصمت پیامبر اکرم (ص) پاسخ داده‌اند، ولی به آیات مورد استناد «جیمز بورلی» اشاره نداشته‌اند.

با توجه به بررسی‌های انجام شده، تاکنون نوشتاری که به طور ویژه ادعاهای جیمز بورلی پیرامون عصمت را نقد کرده باشد، یافت نشد. و به طور کلی، وجه تمایز نوشتار حاضر نسبت به موارد پیشینه این است که با ترکیب دو رویکرد اثباتی و نقادی در یک چهارچوب واحد، از یکسو به ارائه ادله قرآنی مثبت عصمت پیامبر (ص) پرداخته و از سوی دیگر، به شبهات یک خاورشناس مشخص (بورلی) در یک اثر مشخص (دانشنامه الیور لیمن) پاسخ مستقیم و متمرکز داده است.

۲-۱. معرفی اجمالی دانشنامه الیور لیمن

کتاب قرآن: یک دانشنامه با سرویراستاری الیور لیمن، استاد فلسفه دانشگاه کنتاکی آمریکا، در سال ۲۰۰۸ م. توسط انتشارات روتلج منتشر شد (Lyman 2008). از ۴۲ نویسنده این اثر، ۸ نفر عضو هیئت ویراستاران بودند. ترجمه فارسی این دانشنامه نخستین بار در سال ۱۳۹۱ ش. توسط محمدحسین وقار انجام گرفت و انتشارات اطلاعات آن را منتشر کرد. این اثر شامل موضوعات متنوع قرآنی همچون: الله، وحی، صلاة، آیه مباهله، اعجاز قرآن کریم و ... است که از منظر شرق‌شناسان بررسی شده‌اند.

۳-۱. معرفی جیمز بورلی

جیمز بورلی (استاد دانشگاه تیندل کانادا) در سال ۱۹۹۴ م. دکترای خود را از کالج دانشگاه سنت میشل دریافت کرد (Beverley, 1994). وی متخصص مطالعات ادیان جدید با تمرکز بر «روابط مسیحیت و اسلام» است و تاکنون ۱۸ کتاب تألیف یا ویرایش کرده است. از آثار شاخص او درباره اسلام و مسیحیت می‌توان به کتاب‌های مسیح و اسلام (انتشارات کالج، ۱۹۹۷)، درک اسلام (توماس نلسون، ۲۰۰۱) و ایمان اسلامی در آمریکا (حقایق موجود در پرونده، ۲۰۰۲) اشاره کرد.

۱-۴. تحلیل مقاله «محمد(ص)»

بورلی در مدخل «محمد» (ص) این دانشنامه، مباحث خود را در چهار محور اصلی حیات پیامبر(ص)؛ محمد(ص) در قرآن کریم؛ محمد(ص) و دیگر منابع اسلامی؛ و کدام محمد(ص)، کدام اسلام؟ ارائه می‌کند.

به دلیل گستردگی مباحث این مدخل، نوشتار حاضر صرفاً به بررسی مسئله عصمت نبوی پرداخته است و تحلیل سایر محورها را به فرصتی دیگر موکول می‌کند؛ زیرا بررسی هر یک از آنها مستلزم پژوهش‌های مستقل است.

۲. ادعای جیمز بورلی درباره عصمت پیامبر(ص) در قرآن کریم

عصمت انبیای الهی به ویژه پیامبر اکرم (ص) به عنوان برترین پیامبر، از اعتقادات شیعیان و برخی فرقه‌های اهل سنت است (ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۱۷۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۱۲۶؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۱۱). این اصل اعتقادی با ادله نقلی و عقلی قابل اثبات است، اما در مقاله «محمد(ص)» این دانشنامه مورد مناقشه قرار گرفته است.

بورلی در این مقاله مدعی شده عصمت پیامبر (ص) از آیات قرآن قابل استنتاج نیست و برای اثبات ادعای خود به آیاتی استناد می‌کند که در آنها به استغفار دستور داده شده است. وی می‌نویسد: «قرآن مبنای محکمی برای سنت اسلامی عصمت محمد ارائه نمی‌دهد. این عقیده در قرآن تصریح نشده و به نظر می‌رسد چند آیه درباره طلب مغفرت خطاب به محمد باشد» (Lyman, 2008, p.532).

وی به آیات ۵۵ سوره غافر و ۱۹ سوره محمد استناد کرده است و همچنین معتقد است آیات ابتدایی سوره عبس حاکی از سرزنش پیامبر(ص) است.

۳. ادله قرآنی عصمت پیامبر (ص)

عصمت انبیا به ویژه رسول گرامی اسلام (ص) با ادله مختلف نقلی و عقلی قابل اثبات است. اما با توجه به استناد «جیمز بورلی» به آیات قرآن، در این مقاله برای اثبات عصمت آن حضرت، تنها به پاسخ‌های قرآنی اکتفا می‌کنیم.

به نظر می‌رسد ادعای «جیمز بورلی» مبنی بر عدم عصمت پیامبر (ص) در قرآن کریم، ناشی از عدم تسلط یا بی‌توجهی او به آیات قرآن باشد. وی از نکته‌ای کلیدی در برداشت از آیات قرآن غافل مانده که منجر به خطای او در این مقاله شده است. برای دستیابی به دیدگاه قرآن درباره یک موضوع خاص، باید تمام آیات مربوط به آن موضوع بررسی شود و سپس نظر نهایی قرآن استخراج گردد. برخی آیات قرآن محکم و برخی متشابه هستند و برای فهم صحیح آیات قرآنی، باید آیات متشابه را به آیات محکم ارجاع داد و با توجه به آنها مقصود قرآن را به دست آورد. بنابراین باید مجموعه آیات مربوط به عصمت مطالعه شود و آیات متشابه با تکیه بر آیات محکم تفسیر گردد. با استناد به ظاهر آیات و بدون ارجاع آنها به یکدیگر، نمی‌توان چنین برداشت و نتیجه‌گیری کرد که پیامبر اکرم (ص) در طول عمر شریفش مانند افراد عادی - العیاذ باللہ - دچار خطا یا گناه شده است؛ بلکه برخلاف ادعای ایشان، آیات مختلفی در قرآن کریم بر عصمت انبیا به ویژه ذات شریف رسول الله (ص) دلالت دارد. این آیات که در ادامه به بررسی محتوای آنها می‌پردازیم، عبارتند از:

۱. آیه ۳۳ سوره احزاب
۲. آیه ۶۴ سوره نساء
۳. آیه ۴۰ سوره حجر
۴. آیه ۸۳ سوره ص
۵. آیات ۳، ۴، ۱۱ و ۱۷ سوره نجم

۳-۱. آیه تطهیر

آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (احزاب، ۳۳)؛ «همانا خداوند می‌خواهد که هر گونه پلیدی و گناه را از شما خاندان (پیامبر) بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند.» از جمله آیاتی است که به اجماع مفسران شیعه و بسیاری از علمای اهل سنت، بر عصمت اهل بیت (ع) دلالت دارد. در این آیه شریفه، خداوند با استفاده از واژه «إِنَّمَا» که از ادات حصر است، بیان می‌کند که اراده‌اش منحصرأ بر دور کردن «رجس» و «پلیدی» از

کسانی است که با عبارت «عَنْكُمْ» و «أَهْلَ الْبَيْتِ» مورد خطاب قرار گرفته‌اند (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۳۰۹).

«رجس» در لغت به معنای شیء پلید (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۴۲)، ناپاک (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۵۲؛ فیومی، ۱۴۱۴، ص ۲۱۹) و آمیزه نادرست (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۹۰) است. در قرآن کریم نیز این واژه بر شراب، قمار، بتان، تیرهای قمار (سوره مائده: ۹۰)، تنگی و گرفتگی معنوی سینه که موجب گمراهی است (سوره انعام: ۱۲۵)، مردار، خون، گوشت خوک (سوره انعام: ۱۴۵)، عذاب (سوره اعراف: ۷۱)، منافقان (سوره توبه: ۹۵) و بیماری قلبی (سوره توبه: ۱۲۵) اطلاق شده است.

در این آیه، الف و لام کلمه «الرَّجْسُ» الف و لام جنس و برای استغراق (شمول) است و با عدم وجود قرینه‌ای که شمول آن را نسبت به تمامی مصادیق محدود یا منع کند، این واژه ظهور در معنای مطلق و عام دارد. از این ظهور فهمیده می‌شود که مقصود، هرگونه پلیدی و ناپاکی اعم از ظاهری و باطنی، اعتقادی و اخلاقی، عملی و رفتاری و... است و خداوند متعال همه آنها را نفی می‌کند؛ بنابراین هر عقیده ناصواب، هر خلق ناپسند و هر عمل زشت - اعم از عمدی یا سهوی - از اهل بیت (ع) دور شده است (بابایی، ۱۳۸۸ش، ص ۴۰).

شمول واژه «أَهْلَ الْبَيْتِ» نسبت به پیامبر اکرم (ص) نیز میان مسلمانان مورد اجماع است. مرحوم طبرسی از برخی بزرگان اهل سنت همچون ابوسعید خدری، انس بن مالک و عائشه نقل می‌کند که این آیه را مختص به پیامبر (ص)، امیرالمؤمنین (ع)، حضرت زهرا (س) و امام حسن و امام حسین (ع) می‌دانند (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۸، ص ۵۵۹).

۳-۲. آیه ۶۴ سوره نساء

آیه ۶۴ سوره مبارکه نساء نیز از جمله آیاتی است که می‌توان برای اثبات عصمت پیامبر مکرم اسلام (ص) به آن استناد کرد: «... وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ...»؛ «و ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر برای اینکه به اذن خدا اطاعت شود».

در این آیه شریفه، خداوند اطاعت از رسولان الهی را بدون قید و شرط واجب فرموده است. با توجه به اهمیت بالای این مسئله، اگر اطاعت مشروط می‌بود، می‌بایست شرایط و محدودیت‌های آن بیان می‌شد؛ حال آنکه آیه به صورت مطلق بیان شده و در آیات دیگر نیز قیدی برای آن ذکر نشده است. بنابراین، این آیه بر اطلاق خود باقی است.

دستور به اطاعت بی‌قید و شرط از انبیا نشان می‌دهد که امکان خطا و لغزش از سوی ایشان کاملاً منتفی است (طباطبائی، ۱۳۹۰ش، ج ۴، ص ۴۰۴)، زیرا دستور به اطاعت مطلق از شخصی که احتمال خطا دارد - و در نتیجه ممکن است پیروانش را به هلاکت دنیوی یا اخروی دچار کند - علاوه بر نقض غرض، با حکمت الهی نیز ناسازگار است.

۳-۳. آیه ۴۰ سوره حجر و آیه ۸۳ سوره ص

در دو مورد از آیات قرآن کریم درد و سوره حجر و سوره ص، تسلط شیطان بر بندگان مخلص خداوند به صراحت نفی شده است:

- «قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ» (حجر: ۳۹-۴۰)؛ (ابلیس) گفت: «پروردگارا! چون مرا گمراه ساختی (و از درگاهت راندی) من (هم) برای بنی آدم زشتی‌های (اعمالشان) را در زمین آراسته (و زیبا) نمایم و همه آنان را گمراه کنم، مگر بندگان خالص شده تو از میان ایشان.

- «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ» (ص: ۸۲-۸۳)؛ (ابلیس) گفت: «پس به عزت و قدرتت سوگند که همه آنان را گمراه خواهم کرد، مگر بندگان خالص شده تو از میان ایشان.

در این آیات شریفه که از قول شیطان رانده شده نقل شده، او با تأکیدهای فراوان قسم یاد می‌کند که همه مردم زمین را گمراه خواهد کرد، اما بندگان مخلص خدا را از این قاعده مستثنی کرده و با عبارت «إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ» تصریح می‌کند که بر آنان هیچ تسلطی ندارد. پیامبر مکرم اسلام (ص) که در عالی‌ترین مقام عبودیت قرار دارد، بدون شک از مصادیق بارز «بندگان مخلص خداوند» است. بنابراین به یقین شیطان رانده شده هیچ راهی برای وسوسه، تضعیف یا گمراه کردن آن حضرت ندارد.

۳-۴. آیات ۳، ۱۱ و ۱۷ سوره نجم

با استناد به آیات قرآن، نه تنها عصمت پیامبر (ص) به طور کلی قابل اثبات است، بلکه برخی آیات به طور خاص بر عصمت اعضا و جوارح آن حضرت تصریح دارند. از جمله آیات ۳، ۴، ۱۱ و ۱۷ سوره مبارکه نجم که به ترتیب هرگونه اشتباه و خطا را از زبان، قلب و چشم پیامبر (ص) نفی می‌کند: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم: ۳-۴)؛ و هرگز

از روی هوی و هوس سخن نمی‌گوید. آنچه می‌گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست.

در آیات ۳ و ۴ این سوره مبارکه، سخنان پیامبر (ص) به عنوان سخنانی توصیف شده که از روی هوا و هوس بیان نشده، بلکه دارای منشأ الهی و نشأت گرفته از وحی خداوند است. علاوه بر این، در آیه دوم همین سوره نیز «ضاللت» و «غوایت» به صراحت از ایشان نفی شده است: «ما ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَ ما غَوَى» (نجم: ۲)؛ همنشین شما (محمد) هرگز گمراه نشد و راه خطا نپیمود.

خداوند با این تعبیر بر طهارت، پاکی و مصونیت از گمراهی رسول مکرم اسلام (ص) گواهی می‌دهد.

در آیه یازدهم نیز تأکید شده که آنچه پیامبر (ص) به دیده دل مشاهده کرده‌اند، توهم و اشتباه نبوده تا مورد تکذیب قلب قرار گیرد، بلکه مشاهدات ایشان حقیقت داشته و مورد پذیرش قلب بوده است: «ما كَذَّبَ الْفُؤَادُ ما رَأَى» (نجم: ۱۱)؛ دل (دیده دلش) آنچه را که دید دروغ نشمرد (یا خطا نکرد).

به عبارت دیگر، مشاهدات ایشان مانند کسی که به توهم آب، سراب می‌بیند نیست که پس از کشف حقیقت متوجه اشتباه شود، بلکه هر چه می‌بینند حقیقت و عین واقعیت است و هیچ‌گونه خطا و لغزشی در آن راه ندارد (طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۴۲۵).

آخرین آیه‌ای که بر عصمت اعضای مکرم حضرت ختمی مرتبت دلالت دارد، آیه هفدهم سوره نجم است. در این آیه نیز خطا و اشتباه از چشم ایشان نفی شده است: «ما زاعَ الْبَصَرُ وَ ما طَغَى» (نجم: ۱۷)؛ چشم (بصیرتش) هرگز منحرف نشد و طغیان نکرد (و از حد خود تجاوز ننمود).

واژه «زاع» هم به صورت اجوف واوی و هم اجوف یایی به کار می‌رود که به تصریح ابن‌منظور، استعمال آن به صورت اجوف یایی فصیح‌تر است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۴۳۲). در هر دو حالت به معنای «منحرف شدن» و «به بی‌راهه رفتن» است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۴۳۴؛ ابن‌سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۶، ص ۴۰؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۴۳). با توجه به «ما»ی نافی که در ابتدای آیه به کار رفته، معنای آیه چنین است: «چشم

[پیامبر] منحرف نشد و [در دیدن] تجاوز نکرد». بنابراین چشم آن حضرت نیز در دیدن معصوم بوده و آنچه می‌دیده از هرگونه خطا و انحراف مصون بوده است.

۴. پاسخ به ادعاهای جیمز بورلی

همان‌گونه که پیش‌تر گذشت، «جیمز بورلی» در مقاله خود برای اثبات ادعای مبنی بر عدم عصمت رسول مکرم اسلام (ص) به ظاهر آیاتی استناد می‌کند که می‌توان آن‌ها را جزء آیات متشابه قرآن دانست؛ آیاتی که بدون رجوع به محکومات قرآنی نباید مورد استناد قرار گیرند. این آیات عبارتند از:

۱. آیه ۵۵ سوره غافر: «فَصَبِّرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَ الْإِبْكَارِ»؛ پس شکیبا باش که وعده خدا حق است و برای گناه خویش آمرزش بخواه و پروردگارت را به شامگاهان و بامدادان تسبیح گوی.

۲. آیه ۱۹ سوره محمد: «فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلِّبُكُمْ وَ مَثْوَاكُمْ»؛ پس بدان که معبودی به حق جز الله نیست و برای گناه خود و برای مردان و زنان مؤمن آمرزش بخواه، و خداوند رفت و آمدگاه و مأوای شما را می‌داند.

۳. آیات ۱ تا ۳ سوره عبس: «عَبَسَ وَ تَوَلَّى أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى وَ مَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكَّى»؛ (آن مرد بزرگوار) روی درهم کشید و روی گردانید. چون نابینایی به سراغش آمد. و تو چه دانی شاید که او پاک شود (و موعظه در او اثر کند).

۴-۱. بررسی آیه ۵۵ سوره غافر

«فَصَبِّرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَ الْإِبْكَارِ» (غافر: ۵۵)؛ پس شکیبا باش که وعده خدا حق است و برای گناه خویش آمرزش بخواه و پروردگارت را به شامگاهان و بامدادان تسبیح گوی.

هیچ‌یک از مفسران شیعه واژه «ذنب» را در این آیه به معنای «گناه» و «معصیت» ندانسته‌اند. اما در مورد منظور دقیق آن نظرات مختلفی ارائه شده است:

۱. خطاب ظاهری به پیامبر (ص) است، اما مقصود واقعی امت آن حضرت می‌باشد (طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۸۷).

۲. دستور استغفار به پیامبر (ص) جنبه تعبدی دارد و وظیفه‌ای است برای ارتقای درجات معنوی، بدون هیچ ارتباطی با معصیت و گناه (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۶).

۳. این دستور الهی به منظور انتقال سنت استغفار از سوی رسول گرامی اسلام (ص) به پیروان ایشان است (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۶).

۴. دستور به استغفار از گناه، مستلزم وجود خارجی معصیت و گناه نیست (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۶، ص ۴۵۹).

۵. از آنجا که حضرت محمد (ص) در نظر مشرکان و بت پرستان مکه گناهکار تلقی می‌شد - زیرا با بت‌ها و سنت‌های جاهلی آنان مبارزه کرد - این دستور برای درخواست دفع تبعات این مبارزه صادر شده است (طباطبائی، ۱۳۹۰ش، ج ۱۸، ص ۲۵۴؛ مغنیه، ۱۴۲۵ق، ص ۶۷۸).

با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی نزول آیه، به نظر می‌رسد مورد پنجم قوی‌ترین احتمال در تفسیر این آیه باشد؛ چرا که این برداشت با شواهد قرآنی قابل تأیید است.

۴-۱-۱. شاهد اول

نخستین آیه در تأیید این برداشت، آیه ۱۴ سوره مبارکه شعراء است که خداوند از قول موسی کلیم (ع) بیان می‌دارد: «وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ»؛ و آنان [قبطیان] بر علیه من ادعای جرمی دارند، پس می‌ترسم مرا بکشند.

در این آیه، واژه «ذنب» به حضرت موسی (ع) نسبت داده شده است، اما با توجه به حرف جر «لام» در عبارت «لَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ»، مشخص می‌شود که قبطیان آن حضرت را به دلیل کشتن یکی از افراد خود گناهکار می‌پنداشتند، نه اینکه واقعاً آن حضرت مرتکب معصیتی شده باشد.

۴-۱-۲. شاهد دوم

آیات ابتدایی سوره مبارکه فتح نیز مؤید دیگری برای این برداشت است. خداوند در این آیات می‌فرماید: «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُنِمْ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا» (فتح: ۱-۲)؛ به راستی که ما برای تو پیروزی آشکاری را فراهم ساختیم. تا خداوند گناهان گذشته و آینده تو را بیامرزد و نعمت خود را بر تو تمام کند و تو را به راه راست هدایت نماید.

در این آیات، پیروزی پیامبر (ص) به بخشش گناهان ایشان تعلیل شده است. اگر «ذنب» را به معنای معصیت و گناه مصطلح بدانیم، ارتباطی بین این دو آیه و تعلیل ارائه‌شده وجود ندارد؛

اما اگر طبق تفسیر علامه طباطبایی در المیزان «ذنب» را به معنای اموری بدانیم که از نظر مشرکان گناه محسوب می‌شده، ارتباط عمیقی بین آیات برقرار می‌گردد.

«منظور از واژه «ذنب» در این آیه، گناه و معصیت به معنای مخالفت با امر مولوی نیست و «مغفرت» نیز به معنای معمول آن نمی‌باشد؛ زیرا کلمه «ذنب» در لغت - با توجه به موارد استعمال آن - به معنای کاری است که آثار سوء دارد و «مغفرت» به معنای پوشاندن شیء است... قیام پیامبر (ص) و مبارزه ایشان با کفر و جنگ‌هایی که روی داد، از اموری بود که برای کافران تبعات شوم داشت و تا زمانی که قدرت داشتند، هرگز حاضر به بخشش پیامبر نبودند [و پیامبر در نظر آنان گناهکار محسوب می‌شد]... اما خداوند با این فتح [پیروزی]، شوکت آنان را درهم شکست و آتش فتنه آنان را خاموش کرد و به این ترتیب گناهی را که پیامبر از نظر مشرکان داشت، پوشاند (طباطبائی، ۱۳۹۰ش، ج ۱۸، ص ۲۵۴).

۲-۴. بررسی آیه ۱۹ سوره محمد

«فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلِّبُكُمْ وَ مَشَاكُمُ» (محمد: ۱۹)؛ پس بدان که معبودی به حق جز الله نیست و برای گناه خود و برای مردان و زنان مؤمن آمرزش بخواه، و خداوند رفت و آمدگاه و مأوای شما را می‌داند.

معنای واژه «ذنب» و «استغفار» که در این آیه خطاب به پیامبر مکرم اسلام (ص) به کار رفته است، با توجه به توضیحات ارائه شده در ذیل آیه ۵۵ سوره غافر روشن می‌باشد.

۳-۴. بررسی آیات ۱ تا ۳ سوره عبس

«عَبَسَ وَ تَوَلَّىٰ أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَىٰ وَ مَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكَّىٰ» (عبس: ۱-۳)؛ (آن مرد بزرگوار) روی درهم کشید و روی گردانید. چون نابینایی به سراغش آمد. و تو چه دانی شاید که او پاک شود (و موعظه در او اثر کند).

آیات ابتدایی سوره مبارکه عبس نیز از مواردی هستند که «جیمز بورلی» برای تأیید ادعای خود مبنی بر عدم اثبات عصمت حضرت محمد (ص) از قرآن، به آنها استناد کرده است. اما همانگونه که خود وی نیز بیان کرده، گرچه به ظاهر ممکن است این آیات در مورد حضرت رسول تفسیر شود، در واقع اینگونه نیست. در این آیات تنها به صورت خبری بیان شده که شخصی به دلیل مراجعه فرد نابینایی، چهره درهم کشیده و روی گردانده است، اما هیچ تصریحی به هویت آن شخص نشده است.

از ظاهر آیه نمی‌توان دریافت که مقصود چه کسی است؛ بلکه می‌توان گفت ظاهر آیه نشان می‌دهد که مراد، حضرت رسول (ص) نیست. چرا که ترشرویی - به ویژه در مواجهه با مؤمنان - از صفات پیامبر مکرم اسلام نبوده است. همچنین رسیدگی به ثروتمندان و بی‌توجهی به نیازمندان، با اخلاق کریمه آن حضرت که در آیه ذیل توصیف شده، منافات دارد: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۴)؛ و راستی که تو بر خُلُقِ عَظِيمٍ (و اخلاقی بزرگ) هستی.

۵. نتیجه‌گیری

- حاصل پژوهش حاضر درباره عصمت نبوی در مقاله «محمد (صلی الله علیه وآله)» در کتاب «قرآن: یک دانشنامه» و بررسی آیات قرآن کریم در مورد عصمت انبیا و به طور ویژه پیامبر مکرم اسلام (ص) و تفاسیر مرتبط با آن، به نتایج زیر منجر شد:
۱. تحلیل انتقادی دیدگاه «جیمز بورلی» نشان می‌دهد که ایشان بدون در نظر گرفتن تمام آیات قرآن درباره عصمت انبیا به اظهار نظر پرداخته و در این مورد دچار خطا شده است.
 ۲. بررسی آیه تطهیر و تمرکز بر واژه‌های «إِنَّمَا»، «لِيُذْهِبَ»، «عَنْكُمْ» و «الرَّجَسِ» در این آیه، دلالت بر عصمت پیامبر مکرم اسلام (ص) دارد.
 ۳. آیه ۶۴ سوره نساء با امر مطلق به اطاعت از انبیا، بر عصمت ایشان دلالت می‌کند.
 ۴. نفی سلطه شیطان بر بندگان مخلص در سوره‌های حجر و ص، نشان‌دهنده عصمت ایشان و در رأس آنان پیامبر مکرم اسلام (ص) است.
 ۵. آیات ۳، ۴، ۱۱ و ۱۷ سوره نجم با نفی هرگونه خطا از زبان، قلب و چشم پیامبر (صلی الله علیه وآله)، عصمت نبوی را اثبات می‌کنند.
 ۶. تحلیل علمی و ادبی عبارت «اسْتَغْفِرُ لَذَنبِكَ» در سوره‌های غافر و محمد نشان می‌دهد که منظور از این عبارت، گناه یا مخالفت با امر الهی نیست، بلکه به تبعات و مشکلات ایجادشده توسط مشرکان و کافران برای آن حضرت اشاره دارد.
 ۷. بررسی آیات ابتدایی سوره عبس نشان می‌دهد که این آیات نمی‌تواند مربوط به حضرت محمد مصطفی (ص) باشد.

۶. فهرست منابع

- القرآن الکریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل. (۱۴۲۱ ق). *المحکم و المحيط الأعظم*. بیروت: بی‌نا.
- ابن عطیة، عبدالحق. (۱۴۱۳ ق). *المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزی، تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد*. بیروت: بی‌نا.
- ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ ق). *معجم مقاییس اللغة*. قم: بی‌نا.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق). *لسان العرب*. چاپ سوم. بیروت: بی‌نا.
- ابوحیان اندلسی، محمد. (۱۴۲۰ ق). *البحر المحيط فی التفسیر*. بیروت: دار الفکر.
- الیور لیمن. (۱۳۹۱ ش). *دانشنامه قرآن کریم*، ترجمه محمد حسین وقار. تهران: اطلاعات.
- بابایی، علی اکبر. (۱۳۸۸ ش). *پرسمان عصمت: شرحی بر آیه تطهیر*. قم: سبحان.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). *مفردات الفاظ القرآن*. بیروت: بی‌نا.
- رضایی هفتادار، حسن. (۱۳۹۳ ش). علی برخوردار و فاطمه سروی، «نقد آرای خاورشناسان درباره عصمت پیامبر (ص)»، *اندیشه نوین دینی*، شماره ۳۷.
- رضی ده‌آبادی، بی‌بی سادات و نرجس جواندل. (۱۳۹۳ ش). «نقد و بررسی مقاله عصمت از دایرة المعارف قرآن لایدن بر اساس آرا و مبانی شیعه»، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، دوره ۱۲، شماره ۴۸، صص. ۱۴۹-۱۸۰.
- شوکانی، محمد بن علی. (بی‌تا). *فتح القدر الجامع بین فنی الروایة و الدرایة من علم التفسیر*. بیروت: دار المعرفة.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۰ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. چاپ دوم. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۲ ق). *تفسیر جوامع الجامع*. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ سوم. تهران: ناصر خسرو.

- طوسی، محمد بن حسن. (بی‌تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فتاحی‌زاده، فتحیه و هاجر اسدی. (۱۳۹۶ش). «ارزیابی دیدگاه گلدزیهر در خصوص عصمت پیامبر اکرم (ص)»، *قرآن پژوهی خاورشناسان*، دوره ۱۲، شماره ۲۳، صص. ۸۵-۱۰۲.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ ق). *التفسیر الکبیر*. چاپ سوم. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ ق). *کتاب العین*. چاپ دوم. قم: بی‌نا.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۵ ق). *القاموس المحیط*. بیروت: بی‌نا.
- فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ ق). *المصباح المنیر*. چاپ دوم. قم: بی‌نا.
- ماتریدی، محمد بن محمد. (۱۴۲۶ ق). *تأویلات أهل السنة*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴ ق). *التفسیر الکاشف*. قم: دار الکتب الإسلامی.
- مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۵ ق). *التفسیر المبین*. چاپ سوم. قم: دار الکتب الإسلامی.